سایر تالیفات مؤلف کتاب

رساله در قاعده بسیط الحقیقة

» ترجمه رساله علم النفس « ابن سینا »

» عربی خود آموز

» روانشناسی

» فلسفهٔ شرق

» تاریخ فلسفه (شرق و غرب)

» منطق قدیم

» منطق جدید (متدلوژی)

» اخلاق

» ترجمه و تفسیر آیات منتخبه

خاتمه

بتشویق نیکوکار و مجازات بدکار پنجمین دفتر اخلاقی اسلام در زندگی اجتماعی پایان یافت و نویسنده در این پنج جلد مکرر دست نیاز بدامان پاکدلان دراز و التماس و خواهش کرد که دامن جان را از هر گرد و غبار شسته، زنگار دلرا از تحریکات غرض آمیز بزدایند، باسرمایه وجدان پاک و دیدهٔ انصاف بین در حقایق و تعلیمات اسلامی نگریسته و آنگاه در ارزش و شخصیت اسلام گفتگو یا اظهار عقیده کنند، تمام بدبختیها و نکبت هاکه روزگار آدمی را تیره و تار میسازد، از نا بخردی و تقلید یا تأثیر هوا پرستی مایه میگیرد، مخصوصاً خوانندگان گرامی را به خواندن چهار قسمت از این پنج جلد کتاب توصیه میکنیم :

۱ــ تأثیرات اجتماعی که در آخر بیشتر مباحث فقه نوشته شده

۲ ــ مقدماتی که در جلد چهارم است .

۳ ــ مبحث اجتهاد و تقلید و آنچه در اطراف احادیث نوشته شده .

۴ ــ مباحث اخلاق که از نظر اسلام نگاشته شده .

و نیز فراموش نشود که در اختصار رعایت برنامه منظور بوده و آنچه نوشته ایم در حقیقت نمونه ای است از تعلیم و تربیت اسلام .

اللهم توفنی مسلماً و الحقنی بالصالحین

بنابراین اجتماعی بر پایه مهر ومحبت استوار وازدستبرد پراکندگی برکنار میماند که دفتر نیکوکاری از دفتر بدکاری و خیرخواه ازبدخواه ممتاز باشد ، زمامداران اجتماعی باهشیاری کامل دست نوازش برسر نوع پروران کشند وپای پلیدان زشت کرداررا از خانهٔ مهر ومحبت خود کوتاه کنند ، این مهر و بی مهری فوائد بسیار درآغوش خود دارد وازجمله :

۱ ـ **رواج اعمال پسندیده** ـ اگر مردم به بینند آنکه قدمی خیر برداشته بزرگان جامعه او را ستوده و عزیزمیشمارند ، کم کم نیروی خیرخواهی در آنان ظهور یافته و با او هم آهنگ میشوند .

۲ ـ **کساد بازار زشت کاری** ـ هرگاه مرتکبین اعمال زشت از پیشوایان اجتماعی بی مهری بینند ناچار زنجیر وجدان گمراه راگسیخته و در حلقهٔ پاك عملان داخل میشوند .

۳ ـ تشویق نیکو کاران خواهی نخواهی از بد کاران میکاهد .

۴ ـ **استحکام عدالت اجتماعی** ـ اگر دیدهٔ دوراندیش کارفرمایان کشور ، جاسوس اعمال بد ونیك بوده دربرابر حسن خدمت مزدو تقدیرودر برابر نکوهیده کاری کیفر و تهدید بکار برند و در این منظور خویش و بیگانه ، دور ونزدیك ، نابخرد وخردمند رابیك چشم نگاه کنند ، ناچار هرکس بیدار کار و مواظب رفتار خود میشودکه گرفتار انتقام اجتماعی نگردد و درنتیجه عدالت اجتماعی برقرار و محکم خواهد شد .

٤ـ کومك بهم نوع ـ بایدازروزگارخوش زندگی ، ساعاتی را دانست که درراه نوع پروری انسان رنج به بیند ودرقدمش صدهزارآبله باشدکه :

رنج خود وراحت یاران طلب　　سایه خورشید سواران طلب

بسی پربها ونیرومند است دستی که افتاده‌ای رادستگیری یایتیمی را نوازش ویاباحسان ، معبودحقیقی راپرستش کند .

عبادت بجز خدمت خلق نیست　　به تسبیح وسجاده ودلق نیست

٥ ـ انجام وظائف اجتماعی ـ هرفردعضوی‌است‌ازپیکراجتماع و باید در طریق سلامت و اعتدال مزاج آن وظیفهٔ را که بدوش او بار شده از جان و دل انجام دهد تاکاروان سعادت ملی بدون آزار وآسیب بارخودرا بمنزل رسانده ازگزند یغماگران وحدت ملی‌ایمن بماند ، پس ساعتی چند از روز را باید بانجام وظیفهٔ اجتماعی خرج وآن را دردفتر روزگار خوشبختی ثبت کرد

تشویق نیکوکاران ومجازات بدکاران

کمتر کسی است ، در پرورش جان بپایه و مقامی رسیده باشدکه جز حق وحقیقت نه‌بیند وبا برق وجدان پاك راه مقصود را پیموده بعمل این و آن نظر نکند .

او قدم خیر خواهانه خود را تند و محکم بر دارد خواه دستگاه اجتماعی بآن ارزش دهند یا بد سگالانش ملامت و سرزنش کنند . ولی آهنین و مغزی بس پهلوان لازم است که به‌بیند مردمی نیکوکاریرا جرم و جامعه آنانرا سر و سرور کرده و بدیدهٔ عزت مینگرد و او خود را نبازد عزت بخیلان ، حرارت بخشش و احسانش را سرد و تحقیر سبك مغزان او را رنجیده خاطر نکند .

جان پروری است ودر پرورش آن رعایت اموری چند ضروری است :

۱ـ صحت بدن ـ چون کارگذار و کارگر جان ، بدن و کارخانه حیرت انگیز تن است و بعلاوه هریك ازروح و تن بیکدیگر آمیخته و ودرهم مؤثرند پس میبایددر نگهداری آن کوشیدوازهرچه برای تندرستی زیان آوراست مخصوصاً مشروبات الکلی واستعمال دخانیات اجتناب کرد

۲ـ دانشجوئی ـ تمام بدبختی ها که دچار افراد یك کشور ویا دامنگیر ملتی میشود ازنادانی وبیخردی است ومرکز هر سعادتی را از محیط دائره دانش میتوان جست پس پر بهاترین ساعات زندگی دقائقی است که درطریق دانشجوئی دفترزمانرا ببندد وباین مناسبت رسول اکرم عمریرا که درداش طلبی بپایان نرسیده بیهوده شناخته و فرموده است : بشر نادان ازمحیط جانوران قدمی ببرون نگذاشته وباندازه پست ترین حیوان ارزش ندارد وباز فرموده : زگهواره تاگور دانش بجوی

۳ ـ انجام وظائف الهی ـ مکرر گفته ایم پرستش و بندگی پروردگار درعظمت واقتدار حضرتش تأثیر ندارد مثل اینکه نافرمانی و بت خود خواهی را پرستیدن نیز بارگاه قدس و قدرت او را ویران یا متزلزل نخواهد کرد، وبناچاروظائف الهی بسود تکامل نیرومندی روان آدمیت تمام میشود ودرعبادت حق اسراری است نهفتنی و رموزی است ناگفتنی که تاآدمی رنك دیانت بخود نگیرد بزیبائی وفوائد آن پی نخواهد برد وتاگوش راباساز آئین آشنا ودمساز نکند بدلربائی رازونیاز بامعشوق بی نیاز آگاه نخواهد شد ، عبادت حق زنگار خود پرستی وخود بینی را از آئینه دل میشوید و دیده حق بین بآدمی می بخشد ، پس قسمتی از وقت را باخلوص وقلب بی آلایش بعبادت حق باید گذراند که :

ازعبادت نی توان الله شد　　میتوان موسی کلیم الله شد

۴ ـ جلوگیری از خود پرستی ـ آنکه با پرورش صحیح تربیت یافته نمیگذارد در همنشین او خودپرستی نمودار گردد .

۵ ـ جلوگیری از حسد و دروغگوئی ـ دوست پاك نهاد با نیروی عمل وقدرت نمائی در پند و اندرز از حسد بردن ، دروغ گفتن، خیانت، کینهٔ مردم بدل گرفتن و امثال این صفات ناپسند جلوگیری میکند .

قدر و ارزش وقت

وقت، ساعات ودقایق زندگی است که خواه یا نخواه بسرعت برق گذشته و آدمی رابمرك نزدیك میکند . گرانبهاتر ازهرچیز جان وروان آدمیت است که آثار آن خوب باید درطومار زمان پیچیده میشود وقابل رجوع نیست . اعمال ناپسند گذشته جبران پذیرو کردار پسندیده فراموش شدنی نخواهد بود « ایکاش جوانی بر میگشت » آرزوئی است که آدمی باخود بگور میبرد و از زبان همین آرزومندان خداوند میفرماید : روز رستاخیز گروهی فریاد میکنند ایکاش زندگی بر میگشت تاکردار خودرا بانقشهٔ دلپذیر نیکوکاری تنظیم و اجراء میکردیم ، ولی غافل اند که افسوس واندوه بر گذشته سودی ندارد .

باری آنچه ازعمر میگذرد نخواهد برگشت ، و هر دقیقه و ثانیه بفیمت جان تمام میشود و بفرموده یکتا گوهر عالم وجود که فرمود : گذشته از دست رفته وآینده ندانی خواهی بود یانابهنگام مرك گریبانترا میگیرد ، پس نبایدهم اکنون را ارزان فروخت و بیهوده وقترا از کف داد

نیك وبد چون همی بباید مرد　　　خنك آنکس که گوی نیکی برد

درمصرف وقت باید فهمید که : تن آدمی شریف است بجان آدمیت و آنچه درکمال و سعادت آدمی او را از حیوانات امتیاز میدهد همان

نمیکنند و باینجهت آدمی رازدل وآرزورا با دوست میگوید وازنزدیکتر خویشان خودکتمان و پنهان میکند ، وهرچند این اندیشه و روش بسی ناستوده است(۱) :

ولی چون عمل نشان میدهدکه در انتخاب دوست آدمی کمتر با این و آن صلاح اندیشی میکند و بدوست میگوید آنچه را بهیچکس اظهار نمیدارد مقتضی است دست کم از اندیشه خود استفاده کرد و بافکردنبال تهیه دوست برآمدکه «یعرف المرء بجلیسه»وزن وشخصیت هر کس در آئینه سیمای دوست دیده میشود و فوائد معاشرت با دوست نیکو سیرت بسیار و از جمله است :

۱ ـ تشویق بدانش جوئی ـ دوست پاك سرشت همیشه راه سعادترا پیشنهاد وبهترین‌سرمایه خوشبختی‌را دانش طلبی معرفی میکند

۲ ـ منع از زشتکاری ـ دوست نیکو نهاد نمیگذارد ، آدمی پیرامون اعمال ناشایست رفته خود را بَدبخت کند .

۳ ـ دستور نیکوکاری ـ دوست نیکوکار میکوشد تا رفیق رابا خود همرنك و نیکوکار ترتیب کند .

---

(۱) زیرا پدر ومادر که سرد و گرم روزگاررا چشیده منتهی درجهٔ علاقه و مهر را نسبت بفرزند دارند و استادان زبر دست که حقیقت را از مجاز و صلاحرا از فساد باز شناخته و درعلاقهٔ بشاگرد پدر روحانی هستند برای دوستی و گفتن راز از هرکس شایسته ترند و باید از مهر و فکر ایشان در انتخاب دوست بهره برداری کرد و خود را در زندگی از انتخاب دوست خود سرانه بیچاره و بدبخت نخواست ؛ هرگرفتاری و رنجی که گریبان وگلوی آدمی راگرفته درکشاکش زندگی او را بزانوآورده از هستی ساقط میکند ؛ دوست نادان و معاشرت با بد خصلتان است و بر عکس آنکه در پستی و بلندی و زیر و بم روش روزگار از تلخ کامی انسانرا نجات داده درخت امید اورا شیرین بار وبرومند میکند دوست دانا و همنشینی با پاکدلان است واین گنجرا باید از گنجینهٔ مشورت پدر ومادر و آموزگاران بدست آورد

۲ـ بخیلان ـ بخیل بقدری سرمایه داریرا لذیذ و مایه خوشبختی شرح وازتنگدستی وفقر انسانرا بیم میدهد که دل جوانمرد نیکوکار را از بخشش سرد میکند .

۳ـ حسودان ـ همنشینی باحسود تدریجاً حس بدبینی وفرومایگی رابیدارو انسانراحسودواورابااین مرض خطرناك بدبخت و بیچاره میکند .

٤ـ دروغگویان ـ معاشرت بادرغگوقبح این خوی ناپسندوحسن صداقت را ازمیان برداشته ساعتی انسان بهوش میآید که کاراز کار گذشته وجز حسرت واندوه وحقارت و پستی سرمایه‌ای تحصیل نکرده .

٥ ـ قمار بازان ـ اگر مردم میدانستند چگونه آتش قمار بازی خرمن عمر وسرمایه زندگی را خاکسترمیکند هرگزپیرامون این دشمن خانه برانداز نرفته وازقماربازان چون ازمردم وبائی میگریختند (۱)

فوائد همنشینی با نیکان

مقدمه گفتیم هیچ آموزنده‌ای در جهان باندازۀ معاشرت ، دردل و مغز تأثیر ندارد و آنچه را انسان از نشست و برخاست با مردم و از دوستان فرا میگیرد ، نمیتوان با گفتۀ معلم و حتی دستور و فرمان پدر مقایسه کرد ، زیرا آن صمیمیت و یکرنگی ،آزادی در گفتار وعملرا که درآئینه دوستی می‌بیند ، آنرا در برابر پدر و مادر و آموزگار احساس

(۱) ـ باری چون در تجربۀ زندگی همه دیده‌ایم مبتلایان بتریاك ، ریشۀ بیچارگی و بردگی خود را زیر سرافیونی دیگری میدانند که بکلمات نغز و فوائد تریاك لب گشوده وایشانرا بدام افکنده و میسوزند واز هرسو چاره جوئی میکنند تا ازبند این عادت زشت رها و به بدبختی خویش خاتمه دهند و کمترهم توفیق میبابند . پس باید همین مشاهده را ترازوی همۀ اعمال نکوهیده قرار داد و نزدیك معتادین بصفات ناپسند نرفت که نعمت حیات و سعادت از تخت عزت واژگون و روان آدمیت خاك نشین میگردد

اجتماعی است و در سخنان پیغمبر و امامان به غبطه از آن تعبیر و بسی ستایش شده است .

احتراز از معاشرت با بدان

هر گاه تمام دانشمندان اخلاق مفاسدیرا که بر اخلاق نکوهیده بار میشود ، بابهترین بیان و سخنان شیوای خود بگوش مردم بخوانند تا وضع زندگی ورفت وآمد درجامعه اصلاح و بر پایه صحیح استوار نشود کوچکتر سود ونتیجه‌ای از پندهای حکیمانه آنان نمیتوان برد .

هر گاه آموزگاران پاکدل ودلسوز در محیط دبستان ودبیرستان ودانشکده‌بااستادی ومهارت تمام منافع کارهای پسندیده ومضار کارهای ناپسند راشرح دهند تا معاشرت خانوادگی وافق دوستان خارج باآنان همکاری نکند ، ازهدایت ایشان نفعی عاید نیگردد .

آدمی باآنچه می‌بیند رابطه و علاقهٔ مستقیم دارد .

آدمی‌شیدا ودلباخته‌محسوسات ومشاهدات‌است وهمنشینی چون دوربین عکاسی اعمال زشت یا زیبا را در صفحه مغز بی فاصله زمان ثبت میکند وبا‌ینجهت مجالست بامردمان زشت سیرت درآداب وقوانین دین سخت غدقن وممنوع شده است .

بدان و زیان همنشینی با ایشان ـ بدخویان‌بسیارو ازجمله‌اند

۱ـ نادانان ـ معاشرت بامردم نادان کم‌کم روح دانش طلبی را در آدمی سست ونابود میکند ، چه آنکه نادان هواپرست همه از رنج دانشجوئی سخن رانده وگنج هوسرانی را جلوه میدهد و انسان راحت طلب زودفریب خورده وآلوده میشود .